

## فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۷۵	آرامگاه دسته جمعی	۱	مقدمه
۷۵	بنای معبد آرامگاه	۵	فصل ۱ تاریخ سیاسی ایلام
۷۶	پیکر سازی	۵	پادشاهان ایلامی آوان
۷۷	نقوش بر جسته	۹	پادشاهان ایلامی سیماش
۷۷	نقوش بر جسته قالبی		سلسله نمایندگان بزرگ در ایلام دوران «سوکل منخ»ها (۱۵۵۰-۱۸۰۰ ق م)
۷۷	هنر ایلام میانی؛ دوران امیر انوری	۱۲	دوران ایلام میانی (۱۱۰۰-۱۲۵۰ ق م)
۷۷	معماری	۱۸	شو تروک - نهونته و کوتیر - نهونته
۸۱	کاشی سازی	۲۲	شیلهک - این - شو شینک
۸۳	اشیای ساخته شده از بدل چینی	۲۵	هو تلو توش - این - شو شینک
۸۴	اشیاء مفرغی	۲۷	دوران ایلام جدید (۵۰۰-۷۲۳ ق م)
۸۵	پیکره های ساخته شده از طلا و طلای سفید	۲۸	جدولها
۸۵	نقوش بر جسته مفرغی	۳۹	
۸۶	نقوش بر جسته سنگی		فصل ۲ مذهب ایلام
۸۸	آجرهای قالبی تزئینی	۵۰	دوران ایلام قدیم (دوره انسی ها و سوکل منخ ها)
۸۸	پیکره های سنگی	۵۰	دوران ایلام میانی و جدید
۸۹	پیکره های ساخته شده از گل	۵۶	
۸۹	سردیسهای تدفینی		فصل ۳ هنر ایلام
۸۹	دوران ایلام جدید	۶۴	هنر ایلام در دوران باستان (دوران انسی ها)
۹۰	پیکره های سنگی	۶۷	پیکر سازی
۹۰	اشیای فلزی	۶۷	ظروف تزئینی از قیر طبیعی
۹۱	ظروف بدل چینی	۶۸	نقوش بر جسته
۹۱	کاشی سازی	۶۹	مهرهای استوانه ای
۹۲	سردیسهای تدفینی	۷۰	هنر ایلام در عصر سوکل منخ ها
۹۳	نقوش بر جسته	۷۱	پیکر سازی
۹۴	نقوش بر جسته صخره ای	۷۱	نقوش بر جسته قالبی
		۷۲	نقوش بر جسته
۱۰۱	فصل ۴ غروب تمدن ایلام	۷۳	مهرهای استوانه ای
۱۰۴	پیوستها	۷۴	اشیای فلزی متفرقه
۱۰۴	کتابنامه	۷۴	هنر ایلام میانی؛ دوران قدیم
۱۰۹	تصویرها	۷۵	آرامگاه شاهی تهی - آهر
۲۰۱	فهرست راهنما	۷۵	

امپراتوری ایلام در نهایت گسترش تاریخی خود، از اوایل هزاره سوم تا اواسط هزاره اول ق م، بخش بزرگی از مناطق غربی و جنوبی سرزمین امروزی ایران را دربر می گرفت. بنابراین، واژه ایلام در این کتاب به مفهومی گسترده به کار می رود. بر حسب تقسیمات جغرافیای سیاسی امروز، ایلام باستان سرزمینهای خوزستان، فارس و بخشهایی از استانهای کرمان، لرستان و کردستان را دربر می گرفت. اطلاعات ناقص ما از جغرافیای تاریخی ایلام از کمبود مدارک مکتوب و عدم شناخت تمامی سرزمینهای این امپراتوری ناشی می گردد. محل دقیق شمار اندک شهرهای ایلامی را که در متون باستانی از آنها یاد شده نمی توان با اطمینان تعیین کرد. وسعت جغرافیایی ایلام در منابع باستانی، با توجه به شرایط سیاسی و از دیدگاه نویسندگان باستان و اینکه آنها بین النهرینی، شوشی یا زاگرسی بوده اند، همیشه یکسان یاد نشده است. متون و نقوش برجسته به دست آمده حضور امپراتوری ایلام را در سرتاسر خوزستان، از جنوب تا بوشهر (لیان باستان) و از شرق تا مرودشت (انسان باستان) نشان می دهند و هرگاه ایلام قدرت و فرصت می یافت، نقشی را در سیاست بین النهرین ایفا می کرد و حتی بر بخشهایی از آن سرزمین نیز فرمان می راند. مناطق ایلامی مرتفع به خوبی شوش شناخته نشده اند، زیرا بررسی و حفاری در مناطق یاد شده تنها در سالهای اخیر به صورت منظم و علمی درآمده است. به همین دلیل، در این کتاب تأکید کلی بر فرهنگ جلگه خوزستان و به ویژه شوش است. در مطالعه پیش از تاریخ خاورمیانه نظرها همیشه به سوی بین النهرین معطوف بوده و این سرزمین به عنوان مرکز ثقل و در بسیاری موارد خاستگاه فرهنگهای اولیه منطقه به شمار آمده است. دلیل اصلی این شیوه تفکر شناخت وسیع باستان شناسان از فرهنگها و تمدنهای بین النهرین بوده

است. در جنوب بین النهرین، خاستگاه تمدنهای سومری، آکدی و بابلی، دشتی است کوچک و مسطح که مناطق قابل سکونت آن به سواحل رودخانه های دجله و فرات محدود می گردد. رودهای دجله و فرات که در جنوب بین النهرین قابل کشتیرانی هستند، به آسانی میان مراکز فرهنگی واقع در کناره های خود رابطه ای پایدار برقرار می کردند. از سوی دیگر، فاصله اندک میان دو رودخانه و فقدان هرگونه مانع طبیعی بین آنها، و نیز وجود کانالهای قابل کشتیرانی متعددی که در طول زمان برای آبیاری و ایجاد رابطه میان محوطه های مسکونی حد فاصل دو رودخانه احداث شده بود، سرتاسر منطقه را به هم ارتباط می داد. این ویژگیها و همچنین حاصلخیزی خاک و عوامل بوم شناسی سرانجام باعث ایجاد فرهنگی یکپارچه و به وجود آمدن مراکز شهری، پیدایش تمدن و تشکیلات حکومتی در جنوب بین النهرین گردید. این یکپارچگی فرهنگی عمده ترین عامل در هماهنگ سازی مطالعات در شناسایی هرچه گسترده تر فرهنگها و تمدنهای بین النهرین باستان بوده است.

در برابر، وضعیت خاص جغرافیایی ایران و وسعت آن هرگز امکان نمی داد که فرهنگهای اولیه ایران یکپارچه گردند. بخشهای بزرگی از ایران را کوهستانها و کویرها و صحاری گرم و خشک و بی آب و علف تشکیل می داد. این عوامل جدایی و دوری مناطق مسکونی و کشاورزی را از یکدیگر باعث می گردید، و در نتیجه، میان این مناطق یا ارتباطی وجود نداشت یا رابطه ها آن چنان ناچیز بود که به سختی می توان آثار آن را تشخیص داد. به این ترتیب، در برابر فرهنگ یکپارچه در جنوب بین النهرین، در هر بخش از خاک فلات ایران يك و گاهی چند فرهنگ جدا و مستقل از یکدیگر به وجود آمد و مجموعه ای از فرهنگهای منطقه ای در سرتاسر ایران پدیدار گردید. مهمتر اینکه، تا به امروز



مطالعات باستان‌شناسی موفق به شناسایی محدوده کامل جغرافیایی هیچ یک از مناطق فرهنگی پیش از تاریخ در ایران نشده و اظهارنظرها در این زمینه صرفاً از چارچوب حدس و گمان فراتر نرفته است. بدیهی است که در چنین شرایطی هر گونه شباهت میان هر یک از فرهنگهای منطقه‌ای ایران با فرهنگ یکپارچه و منسجم بین‌النهرین می‌توانست به‌طور منطقی نفوذی از جانب فرهنگ بین‌النهرین به حساب آید. سرزمین خوزستان که یکی از کهنترین مناطق فرهنگی فلات ایران را تشکیل می‌دهد، از هزاره هفتم ق م پیوسته مسکونی بوده و آثار به‌دست آمده از آن گونه‌ای تسلسل فرهنگی را به‌خوبی نشان می‌دهد. اگرچه شباهتهای فراوانی میان عناصر فرهنگی جلگه خوزستان و جنوب بین‌النهرین، به‌ویژه در دورانهای پیش از تاریخ وجود داشته است، اما این شباهتها، برخلاف آنچه گمان می‌رفته نتیجه تأثیری یک‌جانبه نبوده، بلکه روابطی متقابل در ایجاد آن نقش داشته است. برای مثال، تزیین ظروف با نقش جانور یکی از ابتکارات هنرمندان فلات ایران بوده است که در دورانهای گوناگون هرازگاهی برخی از سفالگران بین‌النهرینی نیز آن را به‌کار برده‌اند. مقایسه جنس، شکل و تزیین سفال فلات ایران در مجموع برتری چشمگیری را تقریباً در تمامی دورانهای پیش از تاریخ بر سفال بین‌النهرین نشان می‌دهد. در این زمینه می‌توان به‌عنوان مثال از سفال منقوش باکون و شوش A در آغاز هزاره چهارم ق م نام برد. کوره‌های پیشرفته سفالیزی در هزاره ششم ق م (در دوره شوش a) برای نخستین بار در جلگه شوش ظاهر گردید و سپس در طول هزاره پنجم ق م به دیگر مراکز فرهنگی منطقه راه یافت. فلزگران فلات ایران و شبه جزیره آسیای صغیر که در طول هزاره پنجم ق م به‌طور تقریباً همزمان موفق به ذوب فلز گردیدند، نخستین کاشفان فن ذوب فلز در جهان باستان بودند؛ حال آنکه این فن

بیش از یک هزار سال بعد به سرزمین بین‌النهرین راه یافت. چرخ سفالگری نیز در اواسط هزاره پنجم ق م در فلات ایران اختراع شد و تنها در اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد است که می‌توان نشانه‌هایی دال بر استفاده از این افزار پیشرفته را در بین‌النهرین مشاهده کرد.

حفریات دهه ۱۳۵۰ در تل‌ملیان در استان فارس، تپه‌یحیی و شهداد در استان کرمان، شهر سوخته در استان سیستان و نیز اطلاعات مهم به‌دست آمده از حفریات تل‌ابلیس در اوایل دهه ۱۳۴۰ در استان کرمان، تصویری را که محققان برای سالیان دراز از فرهنگهای پیش از تاریخ، به‌ویژه فرهنگ و تمدن ایلامی داشتند، به یکباره دگرگون ساخت. مرکز بزرگ ایلامی صنعت سنگ در یحیی، صنعت ذوب فلز در ابلیس و شهداد و محوطه عظیم یک‌صد و پنجاه هکتاری شهر سوخته، بزرگترین شهر شناخته شده در سرتاسر آسیای جنوب غربی در طول نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد، از یک سو نشان داد که در آغاز شهرنشینی در شرق ایران همزمان و همگام با بین‌النهرین، مراکز عمده صنعتی و شهری به‌وجود آمده بود و تطوّر آنها مستقل از رشد فرهنگهای سرزمینهای پست جنوب بین‌النهرین بوده است، و از سوی دیگر، گسترش نفوذ سیاسی و فرهنگی ایلامی در سرزمینهای شرقی ایران و وسعت سرزمینهای زیر سلطه این کهنترین پادشاهی ایران را به اثبات رسانید.

در دورانهای تاریخی، فرهنگ سومری-آکدی و بابلی بین‌النهرین در غرب تا سواحل دریای مدیترانه گسترش یافت و مناطق وسیعی از سرزمینهای ساحلی سوریه و فلسطین را زیر نفوذ فرهنگی کامل خود قرار داد. اما در شرق، بین‌النهرینیها هرگز نتوانستند هویت فرهنگ همسایه خود ایلام را از میان ببرند. مدارک به‌دست آمده از حفریات گودین در دره کنگاور، انشان در دره رود کر در استان فارس و

یحیی و شهداد و ابلیس در استان کرمان به خوبی نشان داده که نفوذ فرهنگ بین‌النهرین هرگز از مرزهای شوش فراتر نرفت. با وجود این، پیش از تاریخ ایران هنوز به درستی شناخته نشده است و در این زمینه ما تنها در آغاز راه هستیم. بی‌شک فعالیت‌های گسترده باستان‌شناسی در آینده قادر خواهد بود نکات ناشناخته بسیاری را درباره دستاوردهای فنی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی ساکنان اولیه این سرزمین آشکار سازد و از این رهگذر با شناساندن یکی از خاستگاه‌های مهم تمدن و فرهنگ ایرانی، بنیاد بسیاری از نظریات کنونی را درباره روابط فرهنگی و سیاسی ایران و بین‌النهرین در دوران‌های گوناگون دگرگون سازد.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری است، نحوه تقسیم‌بندی تاریخ ایلام است. تاریخ ایلام با توجه به تقسیم‌بندی تاریخی در بین‌النهرین (دوره بابل قدیم، بابل میانی و بابل جدید در جنوب، و دوره آشور قدیم، آشور میانی و آشور جدید)، مصر عصر فراغت (دوران سلسله‌های قدیم، سلسله‌های میانی و سلسله‌های جدید) و هیتی‌ها در آسیای صغیر (دوران هیتی قدیم، هیتی میانی یا دوران امپراتوری و هیتی جدید) به سه دوره ایلام قدیم، ایلام میانی و ایلام جدید تقسیم شده است. در این تقسیم‌بندی تاریخی، دوران ایلام قدیم از اواسط قرن نوزدهم ق م با دوران سوکل منخ‌ها آغاز می‌گردد و دوران ایلام جدید با پیوستن سرزمین ایلام به شاهنشاهی هخامنشی پایان می‌پذیرد. افزون بر آن، دوران پروتو-ایلامی که همزمان با دوران پیدایش خط در بین‌النهرین است، در حدود قرن بیست و هشتم ق م پایان می‌یابد. در حفاصل پایان دوره پروتو-ایلامی و آغاز دوران سوکل منخ‌ها، که زمانی در حدود یک هزار سال را دربر می‌گیرد، در بین‌النهرین با آغاز دوران تاریخی سلسله‌های متعددی تشکیل می‌گردد که عبارت‌اند از دوران سلسله‌های قدیم،

سلسله اکد، سلسله لاگاش، سلسله اور سوم و دوران ایسین-لارسا.

در تهیه بخش تاریخ ایلام در این کتاب از تألیفات چهار ایلام‌شناس بزرگ: شادروان پروفیسور کامرون (۱۹۳۶)، والتر هینتس (۱۹۶۳، ۱۹۶۴)، رنه‌لایبا (۱۹۶۳، ۱۹۶۴)، و ماتيو استولیز (۱۹۸۴) استفاده شده است، حال آنکه بخش مذهب ایلام صرفاً تلخیصی است از نتیجه مطالعات رنه‌لایبا (۱۹۶۳)؛ تنها محققى که در این زمینه مطالعه جامعی انجام داده است. در زمینه هنر و معماری ایلام صاحب‌نظران متعددی مطالبی را به رشته تحریر درآورده‌اند، اما، هیچ‌یک از این آثار کامل و فراگیر نبوده و هر یک درباره موضوعی معین و محدود تهیه شده است. از آنجا که مطالعات عمده در زمینه باستان‌شناسی ایلام از سوی فرانسویان صورت گرفته و تقریباً منحصر به آنان بوده است، جامعترین اثر در این زمینه به پیرامیه (۱۹۶۶) تعلق دارد. اما کتاب ارزشمند این محقق فرانسوی و موزه دار بخش خاورمیانه موزه لوور، بیشتر یک اثر نفیس مملو از تصاویر رنگی است تا یک کار تحقیقی. در تهیه بخش هنر و معماری ایلام عمدتاً از مدارک امیه در کتاب ایلام (۱۹۶۶) استفاده شده و تحلیلها از آن خودنگارنده است. نگارش کتاب حاضر، به‌ویژه بخش تاریخ آن، بی‌گمان بدون کمکها و پیشنهادهاى سودمند دوست دانشمند دکتر عبدالمجید ارفعی، یکی از ایلام‌شناسان انگشت شمار جهان، میسر نمی‌شد. افزون بر آن، شیوه ارائه جداول تاریخی که در این کتاب پیشنهاد ایشان بوده و تلفظ صحیح اسامی ایلامی و بین‌النهرینی به زبان فارسی، که برای نخستین بار در این کتاب آمده، به کمک وی امکان‌پذیر شده است. در اینجا از دکتر ارفعی برای کمکهای سخاوتمندانه و راهنماییهای ارزنده‌شان صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنم.

یوسف مجیدزاده



## تاریخ سیاسی ایلام

### پادشاهان ایلامی آوان

تا پیش از آمدن مادها و پارسها، یعنی تا حدود یک هزار سال پیش از میلاد، تاریخ سرزمین ایران به تقریب منحصر به تاریخ ایلام بوده است. ایلامیها از مراحل آغازین تاریخ خود مدرکی کتبی به جای نگذاشته‌اند، اما آکدیها در چند سنگنبشته صخره‌ای در سرزمینهای غیرایلامی اشاراتی به ایلام و ایلامیها کرده‌اند.

در مقایسه با طول زمان حکومت ایلامیها، شمار واقعی مدارک تاریخی بسیار اندک است. بعضی از آنها به زبان آکدی است و برخی دیگر به ایلامی که بیشتر از شوش، پایتخت قدیم ایلام، به دست آمده است. مشکل اینجاست که زبان ایلامی با هیچ یک از زبانهای شناخته شده نسبتی ندارد و گذشته از آن، هنوز به خوبی خوانده نشده است. در زمینه قوم‌نگاری ایلامیها با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستیم. منطقیترین فرض آن است که ایلامیها به پروتو-لرها تعلق دارند که زبانشان با ورود به دوره مادها به زبان ایرانی تبدیل گردید.<sup>۱</sup> ایلامیها نام سرزمین خویش را به خط میخی به صورت هلتامتی یا هتامتی می‌نوشتند و به احتمال خود آن را التامت تلفظ می‌کردند. این کلمه به احتمال به معنی «سرزمین خدا» بوده است. سومریها و آکدیها ایلامیها را با علامت «NIM» می‌نوشتند که با مفهوم «سرزمین مرتفع» ارتباط داشت<sup>۲</sup> و این کلمه‌ای بود درست، چرا که سرزمین ایلامیها نه تنها جلگه شوش با رودهای کرخه، دز، و کارون را دربر می‌گرفت، بلکه مناطق کوهستانی و دشتهای مرتفع شمال و شمال شرق جلگه شوش را نیز شامل می‌گردید.

این پیوند جلگه و کوهستان که برای هزاران سال دوام داشت، از عوامل مؤثر در تاریخ ایلام بود و تنها هنگامی که مادها و پارسها سرزمینهای کوهستانی ایلام را در حدود سال ششصد پیش از میلاد به تصرف خود درآوردند از میان رفت. ارتباط میان جلگه‌ای حاصلخیز و قابل آبیاری از یکسو و

کوهستانهای غنی از چوب و سنگهای گوناگون فلز از سوی دیگر، امکان به وجود آمدن تمدن ایلام در سطحی عالی را موجب گردید.

شوشیها و ایلامیهای سرزمینهای مرتفع به احتمال پس از جنگ و کشتارهای سخت، حیات سیاسی خود را آغاز کردند. وحدت سیاسی ایلام از طریق اتحاد میان ایلات ایلامی به وجود آمد و سپس با ازدواجهای سیاسی میان آنها استحکام یافت.

کهنترین منبعی که در آن نام ایلام ذکر شده به احتمال متعلق به قرن بیست و هفتم پیش از میلاد است. در فهرست شاهان سومری آمده است که این-میرگیسی، پادشاه نیمه افسانه‌ای سلسله اول کیش، به ایلام لشکر کشید و از آنجا غنایم بسیاری به چنگ آورد.<sup>۳</sup> با استناد به این رویداد است که تاریخ نویسان به دشمنی میان دو سرزمین ایلام و بین‌النهرین پی می‌برند. با وجود این دشمنی اما، روابط اقتصادی و فرهنگی پیوسته‌ای میان دو منطقه برقرار بوده است. بین‌النهرین به منابع و محصولات ایلام مانند الوار، سنگهای گوناگون فلز (سرب، مس، قلع و نقره)، سنگ (مرمر، خارا و ابسیدین)، سنگهای نیمه قیمتی و نیز اسب نیاز داشته است. لشکرکشیهای بی‌شمار سومریها و آکدیها به ایلام برای اطمینان یافتن از باز بودن مسیر حرکت این مواد مهم به سوی بین‌النهرین صورت می‌گرفت و نیز با این هدف که ایلامیها را، که پیوسته خطری جدی برای سرزمینشان به شمار می‌رفتند، از لحاظ سیاسی زیر نظر داشته باشند. در این زمینه می‌توان به نفوذ گیلگمش، جانشین ان-میرگیسی، به ایلام و حتی سرزمینهای ماورای آن اشاره کرد.<sup>۴</sup>

ایلامیها بیشتر برای دست یافتن به ثروتهای متمرکز در شهرهای غنی و متمدن بین‌النهرین آن سرزمین را عرصهٔ تاخت و تاز خود قرار می‌دادند و از این روست که فهرست

خطر یورش ایلامیها به سرزمین بین‌النهرین برای مدتهای مدید از میان برود. دو کتیبه از زمان سارگون در این زمینه اطلاعاتی را ارائه می‌دهد. یکی از آنها که حاوی جزئیات بیشتری است با لشکرکشی سارگون به ایلام ارتباط دارد و نخستین واقعیت دقیق و مطمئن را از تاریخ ایلام به دست می‌دهد: در حدود ۲۲۸۸ ق م لوه-ایشن، هشتمین فرمانروا از سلسله هلی در آوان حکومت می‌کرد.<sup>۱۳</sup>

با وجود خلاصه بودن کتیبه اشاره‌های مهمی در آن به چشم می‌خورد. از مطالب این کتیبه می‌آموزیم که در زمان حکومت لوه-ایشن در ایلام نایب‌السلطنه‌ای به نام سَنم-سیموت و فرمانداری به نام زین در هونور وجود داشته‌اند.<sup>۱۴</sup> هونور بعدها به «کلیدانشان» معروف شد.<sup>۱۵</sup> کتیبه یاد شده همچنین نام منطقه ناشناخته‌ای از ایلام را دربر دارد که گونیلوهاست و بخشی از نام فرماندار آن را که هیدادیدا [...] است.

تمام این شواهد نشان می‌دهد که ساختار حکومت ایلام بر اتحاد میان بخشهای مختلف پایهریزی شده بوده است. فرمانداران بر ایلات گوناگون فرمان می‌راندند. این فرمانداران زیر نظر یک نایب‌السلطنه کار می‌کردند و نایب‌السلطنه خود زیر فرمان پادشاه بوده است. ایلامیها فرماندار را هلمنیک، نایب‌السلطنه را شکناکوم، و پادشاه را سونکیر می‌نامیدند. اینکه آیا پادشاهان آوان در سرزمین اصلی خویش (در اطراف شوشتر) حکومت می‌کردند یا دو پایتخت داشته‌اند، برای ما روشن نیست، اما به نظر شق اول محتملتر است.

از مطالب کتیبه اول سارگون درباره پیروزی بر فرمانروای ورهشه چنین برمی‌آید که این ایالت متحد ایلام، خود نیز اتحادی از قسمتهای جداگانه بوده است. در کتیبه نام فرمانروای مغلوب نیامده، اما نام برادر فرمانروا و نیز نام قاضی ورهشه ذکر شده است. احتمال دارد که پس از شکست، این دو تن با هم حکومت کرده باشند. نکته مهم این است که ورهشه خود نایب‌السلطنه‌ای داشته که پس از پیروزی آکدیها به شخصی به نام سیدگو انتقال می‌یابد.

کتیبه دوم سارگون باید پس از مدتها و گذشت زمانی نسبتاً طولانی از تهیه کتیبه نخست، در لشکرکشی دیگری از جانب فرمانروای آکد به «شرق سرکش» نوشته شده باشد. این کتیبه نام چند تن از افرادی را که در کتیبه نخست آمده بود، دوباره ذکر می‌کند و در میان آنها نام نایب‌السلطنه سیدگو نیز

شاهان سومری، اندکی دیرتر، یعنی میان سالهای ۲۶۰۰ و ۲۵۵۰ ق م، اشاره به نزاع میان پادشاهی اور و ایلام دارد که منجر به شکست بین‌النهرینیها و اسارت پادشاه اور و بردن او به آوان گردید.<sup>۱۵</sup> نام این پادشاه پیروز ایلامی، که سلسله‌ای با سه پادشاه را بنیان نهاد، ثبت نشده است؛ وی به احتمال کوریشک بوده است.<sup>۱۶</sup> شهر آوان تاکنون با اطمینان مورد شناسایی قرار نگرفته است. از اشاره‌های پراکنده و اندک مدارک مکتوب تاریخی چنین برمی‌آید که آوان می‌بایستی همان شهر شوشتر امروزی در جنوب شرق شوش بوده باشد.

در دورانی با این قدمت، پادشاهی نیرومند ایلامی آوان آن چنان موجودیت خود را تثبیت کرده بود که می‌توانست سلطه خویش را برای مدتی طولانی بر بین‌النهرین تحمیل کند.<sup>۱۷</sup> در حدود ۲۵۵۰ ق م یکی از پادشاهان کیش، که تنها بخش نخست نام او باقی مانده است، موفق گردید این قدرت را از میان بردارد و آن چنانکه در فهرست شاهان سومری مذکور است، «آوان را سرکوب کند» و پادشاهی آن را به کیش منتقل سازد.<sup>۱۸</sup>

پس از دوره‌ای از ناآرامیهای احتمالی، سلسله تازه‌ای متشکل از دوازده پادشاه در آوان ظهور کرد.<sup>۱۹</sup> از بنیانگذار این سلسله تنها نامش را می‌دانیم: هلی که چندان هم دقیق نیست و از شش تن جانشین او هیچ چیز نمی‌دانیم. با این حال، کتیبه‌ای متعلق به یک پرستشگاه از جزیره دور افتاده لیان در خلیج فارس، نزدیک بوشهر امروزی، به دست آمده است که تا حدودی مطالبی را در مورد تاریخ ایلام در اختیار می‌گذارد.<sup>۲۰</sup> این کهنترین مدرک موجود از زبان ایلامی است. در این کتیبه تنها یک هجا از قسمت آخر نام سازنده معبد... هی ([...]hi) به جا مانده است.<sup>۲۱</sup> وی خود را خدمتگزار لپاک، یعنی خدایان، می‌داند. از آنجا که نام هیچ یک از پادشاهان آوان به هی پایان نمی‌پذیرد، سازنده معبد یاد شده شاید حاکمی کم‌اهمیت و یا محلی در قرن بیست و پنجم یا بیست و چهارم پیش از میلاد بوده است، یا یک نایب‌السلطنه ایلامی، و یا به احتمال بیشتر فرماندار شریهوم که می‌تواند همان منطقه ایلامی «سرزمینهای ساحلی» در کناره خلیج فارس بوده باشد.<sup>۲۲</sup>

در زمان سارگون آکدی (حدود ۲۲۷۹-۲۳۳۴ ق م) ما زمینه مطمئنتری از تاریخ ایلام را در دست داریم. سارگون با سیاستهای گسترش طلبانه خود نه تنها به قبایل کوههای زاگرس، یعنی مردم سو استیلا یافت، بلکه باعث گردید که



بزرگ)، به‌عنوان پادشاه ایلام نام می‌برد که در فهرست شاهان دوازده نفره در ردیف نهم قرار دارد.<sup>۲۰</sup>

هنگامی که ریموش، فرزند سارگون، به حکومت رسید (حدود ۲۲۷۰-۲۲۷۸ ق م) پادشاهان ایلام و ورهشه، یعنی هیشپ-راتپ و اَبَلْ گَمَش از فرصت استفاده کردند و با اتحاد با یکدیگر توانستند استقلال خویش را از نو به دست آورند. سومین متحد، منطقه زَهَر با نایب‌السلطنه‌ای به نام اونگی بود.<sup>۲۱</sup> زَهَر همسایه شمال غرب ورهشه به احتمال جایی پیرامون ایلام امروزی واقع شده بود.

لشکرکشی ریموش به شرق برای سرکوبی متمردان در کتیبه‌ای ذکر شده و در اینجا همین قدر کافی است گفته شود که بنابراین کتیبه، ورهشه در برابر ریموش شکست سختی خورد. در این جنگ بیش از هفده هزار تن کشته و چهار هزار تن به اسارت گرفته شدند. گمان می‌رود پادشاهان ورهشه، و زَهَر موفق به فرار شده باشند. اما ظاهراً شکست شوش آن چنان مصیب بار نبوده و در این لشکرکشی بیشتر به غارت شهر بسنده شده است. ریموش بخشی از غنایم به دست آمده از شوش را به معبد خدایان اختصاص داد که از جمله در حدود پانزده کیلو طلا، یک هزار و هشتصد کیلو مس و شش برده زن و مرد برای معبد خداوند انلیل بوده است.<sup>۲۲</sup>

در کتیبه ریموش در میان نام شاهزادگان به اسارت درآمده، نام زینوب برادر فرمانروای ایلام نیز برده شده است. بنابراین، زینوب بایستی یکی از برادران جوانتر هیشپ-راتپ بوده باشد که ریموش پس از پیروزی او را به سمت نایب‌السلطنه ایلام برگماشت. در این زمان شخصی به نام اپیر-مویی، و به احتمال پسر بزرگ هیشپ-راتپ، فرماندار شوش بوده است.

در یک اثر مهر به دست آمده از شوش متعلق به اپیر-مویی، او «نایب‌السلطنه سرزمین ایلام» خوانده شده<sup>۲۳</sup> و بنابراین، وی از مقام فرمانداری شوش به مقام نایب‌السلطنه ایلام ارتقا یافته بوده است. این ارتقا به احتمال به دست ریموش انجام گرفته بوده است. اثر مهر دیگری از شوش، از اپیر-مویی با عنوان «مرد نیرومند» نام می‌برد. اما این بدان معنی نیست که وی به مقام پادشاهی ایلام رسیده باشد.<sup>۲۴</sup>

جانشین اپیر-مویی به‌عنوان نایب‌السلطنه ایلام شخصی به نام اشپوم است که به احتمال برادر جوانتر وی بوده است.<sup>۲۵</sup> این جابه‌جایی تقریباً همزمان با به حکومت رسیدن منیشتوسو برادر ریموش (حدود ۲۲۵۵-۲۲۶۹ ق م) بوده

به چشم می‌خورد. از این رو، شخص مذکور می‌بایست نقش مهمی را در سیاست ورهشه بازی کرده و به‌عنوان نایب‌السلطنه دست نشانده از جانب سارگون به حکومت رسیده باشد. نام دیگر متعلق به فرماندار شریهوم است.<sup>۱۶</sup> از آنجا که از این منطقه در کتیبه نخست نامی برده نشده، چنین برمی‌آید که منطقه میان انشان و خلیج فارس تا لشکرکشی دوم سارگون حدود سال ۲۲۷۹ ق م به دست آگدیا نیفتاده بوده است.

مهمترین نتیجه‌ای که از مطالعه دو کتیبه سارگون حاصل می‌گردد، این است که ایلام و همسایه شمال غربی آن ورهشه مطمئناً اتحادی را با یکدیگر تشکیل داده بودند که در طول هشتصد سال تاریخ بعدی ایلام پا برجا ماند.

با این حال، باید پذیرفت اشخاصی که نامشان در کتیبه‌ها آمده به صورت چهره‌های مهم برای تاریخدانان باقی می‌مانند. چنین به نظر می‌رسد که سارگون با رضایت، حکمرانان شکست خورده را بار دیگر به صورت دست نشانده به حکومت می‌گماشت. غنایمی که وی با خود به آگد برد عظیم بوده است، چرا که بخش عمده کتیبه‌ها را فهرست غنایم به دست آمده و نام شهرهای گشوده شده تشکیل می‌دهد؛ در این میان نام شوش و آوان نیز به چشم می‌خورد. در اینکه آیا سارگون به‌عنوان یک پادشاه فاتح شخصاً وارد شوش گردید جای شک است. بخشی از نوشته‌های سنگ یادمانی، که به همین مناسبت نگاشته شده، اکنون پاك شده است.<sup>۱۷</sup> این بخش از متن به احتمال بعدها، در زمان شاهان ایلام میانی، که اثر مذکور به شوش انتقال یافت، پاك شده است. اما در مورد فتح شوش به دست سارگون نمی‌توان تردید داشت.

از متن کتیبه‌های سارگون چنین برمی‌آید که لوه-ایشن، پادشاه ایلام، فرزند شخصی به نام هیشپ-راتپ بوده است.<sup>۱۸</sup> اما براساس فهرست شاهان ایلامی در فاصله زمامداری این پدر و پسر شخصی به نام کیکو-سیو-تمتی به حکومت رسیده است.<sup>۱۹</sup> با توجه به نظام جانشینی در دورانهای متأخر ایلام می‌توان چنین فرض کرد که این دو پادشاه با یکدیگر برادر بوده‌اند؛ بدین معنی که نخست برادر بزرگتر، یعنی کیکو-سیو-تمتی، به پادشاهی می‌رسد و سپس برادر کوچکتر، لوه-ایشن، جانشین وی می‌گردد. از آنجا که این دو برادر متعلق به یک نسل بوده‌اند، چنین برمی‌آید که حکومت لوه-ایشن مدت زیادی نپاییده است؛ چرا که کتیبه دوم سارگون از پادشاهی پسر لوه-ایشن، به نام هیشپ-راتپ (همنام پدر



کنار خط اگدی به کار می برده از عشق به ملیت و غرور ملی وی نشان دارد.

تمام مدارک نشان می دهند که کوتیک-این-شوشینک در زمان حیات هیت، پادشاه آوان، فرماندار شوش بوده است.<sup>۳۰</sup> پدر وی شین-بی-هیش-هوک به احتمال برادر کوچکتر هیت شاه بوده است. بعدها و به احتمال در زمان پادشاهی شر-کلی-شری (شاه شاهان، حدود ۲۱۹۳-۲۲۱۷ ق م) جانشین نرام-سین، کوتیک-این-شوشینک ارتقای درجه یافت. در چهار لوح نسبتاً طولانی که یکی از آنها دوزبانی است، وی به دنبال نام خود عنوان «فرماندار شوش، نایب السلطنه سرزمین ایلام» را نیز یدک می کشد.<sup>۳۱</sup> کوتیک-این-شوشینک اگرچه شاه نبود، اما با لشکرکشی به سرزمینهای اطراف به گستره نفوذ و قدرت خود می افزود و این خود حکایت از زوال تدریجی شر-کلی-شری، پادشاه اگدی می کند.

نخستین لشکرکشی کوتیک-این-شوشینک برای فرو نشاندن شورش در کیماش و کورتی انجام گرفت. این دومحل در خاک بین النهرین و در منطقه دیاله علیا واقع شده بودند. احتمال دارد که این لشکرکشی به درخواست شخص شاه اگدی صورت گرفته باشد. کتیبه ای بر بدنه پیکره ای از سنگ آهک متعلق به کوتیک-این-شوشینک جنگهای وی را شرح می دهد و فهرستی متشکل از هفتاد محل را نام می برد که ساکنانش همه به يك اشاره به پای او افتادند. بی تردید غلوه زیادی در این کتیبه شده است. شمار اندکی از محلهاى مذکور در کتیبه شناخته شده اند مانند گوتو که همان سرزمین گوتیها بوده است. اشاره دیگر به سرزمین هونور در منطقه کوههای بختیاری است.<sup>۳۲</sup> ذکر این دو نام گسترش قدرت این پادشاه را در شمال و شمال شرق جلگه خوزستان نشان می دهد. در پایان، کتیبه با غرور متذکر می گردد که پادشاه سیماش شخصاً به حضور کوتیک-این-شوشینک رسیده و فرمانبرداری خود را اعلام داشت. به احتمال قریب به یقین سیماش به منطقه شمال جلگه خوزستان اطلاق می شد و مرکز آن شهر خرم آباد امروزی در لرستان بوده است.

اوج قدرت کوتیک-این-شوشینک هنگامی است که وی به عنوان وارث و جانشین هیت (به احتمال حدود ۲۲۰۷ ق م) بر تخت پادشاهی آوان تکیه زد. در دو کتیبه به خط اگدی<sup>۳۳</sup>، وی خود را «شاه توانای آوان» می خواند. در يك سنگ یادمان وی ادعا می کند که «این-شوشینک نسبت به او نظر محبت آمیز داشته و چهار گوشه جهان را به او داده است».<sup>۳۴</sup>

است. به دستور اشبوم تندیسى از منیشتوسو در شوش ساخته شد و به الهه نروندی با عنوان «خدمتگزار این الهه» اهدا گردید. تندیس یادشده در سالهای اخیر از معبد الهه نروندی به دست آمد.<sup>۲۶</sup>

در طول حکومت نرام-سین (حدود ۲۲۱۸-۲۲۵۴ ق م) جانشین منیشتوسو و آخرین پادشاه توانای اگدی نه تنها ایلام بلکه تمامی غرب ایران در گستره تاریخ قرار گرفت. با این حال، در مدارک کتبی متعلق به دوران حکومت این پادشاه اشاره ای به لشکرکشی نرام-سین به شوش یا قیام ایلام در برابر بین النهرین نشده است. این امر با معاهده ای که میان نرام-سین و پادشاه دست نشانده آوان منعقد گردیده به اثبات می رسد. این مدرک نخستین مدرک مهم تاریخ ایلام است. لوحه ای است دورو با شش ستون نوشته که آسیب فراوانی دیده و از شوش به دست آمده است.<sup>۲۷</sup> شگفت آور اینکه این لوح به ایلامی نوشته شده است، حال آنکه تمامی مدارک عصر سارگونی تا زمان نرام-سین به اگدی است. آگاهی ما از متن این لوحه به علت شکستگیهای آن و آشنا نبودن با زبان ایلام قدیم بسیار ناچیز است.

معلوم نیست که طرف انعقاد معاهده در ایلام چه نام داشته است. شادروان جرج کامرون به درستی می گوید که طرف نرام-سین در عقد این قرارداد هیت شاه حکمران آوان بوده است.<sup>۲۸</sup> در یکی از سطور این کتیبه جمله ای است به این صورت: «من هیت [-]، خواهم کوشید تا شیطان را از سرزمین اگدی به دور نگاه دارم».<sup>۲۹</sup> این متن از سوی دیگر، نشان دهنده اهمیتی است که نرام-سین برای همپیمانی با ایلام قایل بوده است. دلیل عقد این معاهده به احتمال جلوگیری از خطر تهاجم گوتیهای شمال ایلام به سرزمین بین النهرین بوده است و به نظر می رسد که لوحه آن را در معبد این-شوشینک، خدای عمده شوش، نگاهداری می کردند، چرا که در میان ویرانه های معبد یاد شده به دست آمده است.

کوتیک-این-شوشینک که پیشتر نام وی تنها از منابع اگدی به صورت پوزور-این-شوشینک شناخته شده بود، یکی از مهمترین چهره های تاریخی ایلام قدیم است. از وی تعداد زیادی لوح برجای مانده که نه تنها به خط و زبان اگدی، بلکه به خط به اصطلاح «پروتو-ایلامی» است. لوح پروتو-ایلامی که در سال ۱۹۶۱ خوانده شد، نام آخرین استفاده کننده از خود را کوتیک-این-شوشینک، یعنی «کمر بسته این-شوشینک» ذکر می کند. اینکه او خط بومی ایلامی را در